



زیباترین
داستان‌های

شاهزاده‌ی سنگی
و چند داستان دیگر

گزیده و روایت
سید مک گلشیری

کتاب اول

سوی
Hooqa

زیباترین
داستان‌های
هزار و یک شب
شاهزاده‌ی سنگی
و چند داستان دیگر

کتاب اول

گزیده و روایت
سیامک گلشیری

ویراستار: تسرین‌نوش امینی

مطبعت: فرهاد رستمی

طراح گرافیک: علی بخشی

ناشر: سینا پرازان

لیتوگراف: و صحافی: واژه پرداز اندیشه

چاپ اول: ۱۳۹۰

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۳۰۰۰۰ تومان

شابک دوره: ۹۷۸-۶۰۰-۸۸۰۹-۷۶-۱

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۸۰۹-۷۷-۱

تصاویر منتخبی است از کتاب‌های:

- Arabian Nights' Entertainments, H. W. Dulcken, Illustrated by: J.E. Millais and ..., Engraved by Dalziel Brothers, London, Ward, Lock & Tyler, 1865
- One Thousand and One Nights, Edward William Lane, Illustrated by William Darbey, London: Bickers and Son, 1877
- Les Mille et Une Nuits, Antoine Galland, Edité par HACHETTE L. ET CIE, 1865
- Arabian Nights' Entertainments, Illustrated by: Louis Rhead, New York & London, Harper & Brothers, 1916



آدرس: تهران، میدان فاطمی، خیابان بیستون، کوچه‌ی دوم الف، پلاک ۳/۱، واحد دوم غربی
صندوق پستی: ۱۴۳۱۶۵۳۷۶۵ تلفن: ۸۸۹۹۸۶۳۰
www.hoopa.ir info@hoopa.ir
• همه‌ی حقوق چاپ و نشر انحصاراً برای نشر هوپا محفوظ است.
• هرگونه استفاده از متن این کتاب، فقط برای نقد و معرفی و در قالب بخش‌هایی از آن مجاز است.

شناسایی گلشیری، سیامک، ۱۳۴۷ -
عنوان: دایم و نام: شاهزاده‌ی سنگی و چند داستان دیگر /
روایت: سیامک گلشیری.
مشترک: نشر: ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری: ۹۲ ص.؛ مصور.
فروست: زیرین داستان‌های هزار و یک شب؛ ۱.
شابک: دوره: ۲ - ۸۸۶ - ۶۰ - ۱ - ۷۷ - ۸۸۶۹ - ۶۰ - ۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی:
موضوع: داستان‌های فارسی / قرن ۱۴
موضوع: Persian fiction -- 20th century --
رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۷ ش ۵ ج ۱ / PIRA
رده‌بندی دینی: ۸۴۳/۶۲
شماره کتابشناسی ملی: ۵۱-۶۶۷۰

فهرست

۱۱	مقدمه
۱۵	شهریار و برادرش، شاه زمان
۳۳	شاه پستان و طبیب رویان
۵۱	شاهزاده‌ی سنگی
۷۷	غلام دماغ‌گو
۹۳	ابراهیم بن مهدی و مادرش
۱۰۷	محمد جواهر فروش و دختر یحیی برمکی
۱۲۰	جوان کریم
۳۷	عشق به خرس
۱۴۹	نعمت و نعم

مقدمه

شاه‌یونان که مدت‌هاست از بیماری نرسنج می‌برد، تمامی طبیبان را از سرزمین‌های دور و نزدیک فرا می‌خواند تا او را درمان کنند، اما هیچ‌یک از آنها موفق به این کار نمی‌شوند. تا اینکه روزی طبیبی به نام رومان با یک شهر می‌گذارد و وقتی از بیماری پادشاه باخبر می‌شود، ادعا می‌کند می‌تواند او را درمان کند. سرانجام طبیب‌رویان موفق می‌شود بیماری پادشاه را درمان کند، اما مدتی بعد پادشاه، که می‌ترسد روزی این حکیم با دانش مملکت را از چنگش بیرون بیاورد، دستور قتل او را می‌دهد. حکیم که سخت از کاری که انجام داده، پشیمان است، به ترفندی پادشاه را از پای درمی‌آورد و از مرگ نجات می‌یابد.

بدون تردید شهریار با شنیدن این قصه از زبان شهرزاد، با شاه‌یونان هم‌اتفاق می‌کند. خود را به وضوح در آینه‌ی این داستان تماشا می‌کند و به تمامی زوایای آن می‌اندیشد. با خود فکر می‌کند چطور شاه‌یونان مرتکب این حماقت می‌شود و این‌طور به کسی که او را از بیماری نجات داده، ظلم می‌کند.

این داستان و ده‌ها داستان دیگر که در هم تنیده شده‌اند، طی مدت سه سال شهریار را سخت به خود مشغول می‌کنند و درنهایت از او انسان دیگری می‌سازند؛ انسانی که دیگر هرگز لحظاتی را که به گوش دادن به این داستان‌ها سپری کرده،

فراموش نخواهد کرد. بسیاری از صحنه‌ها را از یاد نخواهد برد و قطعاً در سراسر زندگی‌اش به آنها فکر خواهد کرد. او بدون شک آموخته که برای بقای حکومتش احتیاج به کشتن انسان‌ها نیست. لازم نیست زنان مملکتش را بکشد تا آتش کینه‌ای را که در دل دارد، فرو بنشاند. برای او حالا جان تک‌تک انسان‌های سرزمینش اهمیت دارد و می‌داند که هرگز نمی‌تواند با ظلم به مردم به حکومتش ادامه بدهد. شهریار همه‌ی اینها را مرهون زنی است که او را به جهان داستان گذاشته، مرهون تفکری است که از ادبیات به‌دست آمده. شهریار بی‌آنکه بخواهد در این داستان‌ها شاهد زندگی‌هایی است که بی‌پرده برای او روایت می‌شوند. هیچ‌کدام از داستان‌ها حذف نمی‌شوند و شهرزاد بی‌کم و کاست و بدون کوچک‌ترین حذفی آنها را روایت می‌کند. درست همان‌طور که از ادبیات ناب انتظار داریم.

ادبیات به ما می‌گوید که آن با تک‌تک انسان‌ها سروکار دارد. انسانی را از میان میلیون‌ها انسان بیرون می‌کشد و تلاش می‌کند تا زندگی‌اش را با تمام زوایا و پیچیدگی‌های آن برای ما روایت کند. ما با رنج‌های این آدم، رنج می‌بریم و از ناخوشی‌هایش، غمگین می‌شویم و همواره سعی می‌کنیم خودمان را در جایگاه او قرار دهیم و به این ترتیب با او زندگی می‌کنیم. بر این اساس آدمی که ده‌ها رمان خوانده، ده‌ها بار زندگی کرده و با رنج‌های سردهای بی‌پاری از انسان‌ها آشناست، در زمان‌های مختلف به سرزمین‌های بسیاری پا گذاشته. درست مثل جهانگردی که سراسر عمرش را در کشورهای مختلف گذرانده، تجارت می‌کند.

مطمئناً اگر بخت با شهریار یار نبود و دختر وزیرش آدم با آتش کتاب‌خوانده‌ای نبود، هرگز به چنین تحولی دست نمی‌یافت. او همچون پادشاهان مستبد، تنها دخترانی را که در سرزمینش مانده بودند، به قتل می‌رساند و بعد دیگر چیزی از سرزمینش و آدم‌های آن باقی نمی‌ماند. من همواره به این اندیشیدم که آیا سیاستمداران مستبد تاریخ چنین شانس را داشته‌اند که بر حسب اتفاق با شهرزادی مواجه شوند و زندگی‌شان دگرگون شود یا همان‌طور که گارسیا مارکز گفته، اطراف‌شان را علائق و آدم‌هایی می‌گیرند که هدف‌شان جدا کردن آنها از واقعیت است. کافی است نگاهی سراسری به تاریخ بیندازیم تا دریابیم پادشاهان مستبد هرگز شهرزادی در کنارشان نبوده که آنها را با قصه‌ی دنباله‌داری، از کارهای پلیدشان بازدارد. آنها

پیوسته در پی شاعران و نویسندگانی بوده‌اند که در مدح‌شان شعر بگویند و اگر جز این می‌بود، مورد غضب واقع می‌شدند و چه بسا حتی جان‌شان را بر سر آن می‌گذاشتند. درواقع سیاستمدار مستبد کم‌کم به انزوا کشیده می‌شود و راه را بر همه‌چیز می‌بندد، تا جایی که تنها زمانی می‌تواند به انسانیت برگردد که تمامی دختران سرزمینش را کشته باشد و سپس شهرزادی از راه برسد تا برای او قصه تعریف کند، قصه‌هایی که شنیدن‌شان مدت‌ها به طول انجامد و تک‌تک آنها، پلیدی‌هایی را که سال‌های سال راسر وجودش را فرا گرفته، پاک کند.

سیامک گلشیری